



هفتاد طلبگی



ماہنامہ تسنیم

سری چهل و پنجم

مدرسه علمیه سلام الله علیها شهرستان فارس

مدیر مسئول: مرضیه سلیمانی

هیات تحریریه: غزاله علیمردانی

بامحوریت (آداب طلبگی و شاخصه های اخلاقی یک طلبه

از جهت انگیزه و هدف. و جهت های مختلف. نحوه مباحثه کردن و شیوه درس خواندن طلبه. و بررسی عوامل دیگر)

بیست و یکم مهرماه ۱۴۰۲، پانزدهم اکتبر ۲۰۲۳، بیست و نهم ربیع الاول ۱۴۴۵





آداب طلبگی

الف : شاخصه های اخلاقی یک طلبه از

جهت انگیزه وهدف:

1. یکی از شاخصه های مهم اخلاقی جوینده علم و دانش از منظر اسلام این است که دارای انگیزه الهی بوده و با انگیزه کسب منافع دنیایی بدنبال علم نمی رود.

2. هدف دانشجوی از کسب علم جاه طلبی، شهرت، فخر فروشی و برتری طلبی نمی باشد.

ب : مختصات اخلاقی و رفتاری طلبه در حوزه فردی:

1. یک طالب علم از منظر اسلام مقید به وظائف و شعائر دینی می باشد و در این زمینه کوتاهی نمی نماید.

2. ضرورت توجه به قرآن کریم به عنوان نخستین و اساسی ترین ماده درسی هر طلبه

3. اهتمام و مطالعه احادیث معصومین علیهم السلام به عنوان بهترین علوم.

4. طالب علم همراه با کسب علم در مسیر پالایش دل از رذائل اخلاقی نیز کوشش می کند.

5. همواره با توکل به خدا در مسیر علم آموزی قدم می گذارد.

6. یک طلبه موفق، دارای حسن خلق و فروتنی می باشد.

7. از دیگر شاخصه های اخلاقی طلبه این است که دارای عفت نفس می باشد.

8. بلند همتی از دیگر مختصات اخلاقی یک طلبه می باشد.

9. طلبه فرصت های زندگانی را به نحو احسن غنیمت می شمرد.

10. طلبه موفق از معاشرت با افرادی که وی را از مسیر تحصیل علم و تهذیب

اخلاق دور می کنند پرهیز می نماید.

11. رعایت نظافت و پاکیزگی

12. برخورداری از آراستگی ظاهر

ج : شاخصه های اخلاقی طلبه در نحوه علم آموزی:

1. طلبه دارای پویایی و تحرک علمی می باشد.

2. برنامه ریزی منظم و دقیق برای تمامی ساعات شبانه روزی

3. انتخاب رشته تحصیلی تخصصی او اگر غیر از فقه و اصول به علم دیگری

گرایش دارد بر اساس اهمیت و جایگاه آن علم، علاقه و فهم و استعداد وی و نیاز جامعه می باشد.

4. مداومت و استمرار در مسیر علم آموزی

5. خستگی ناپذیر بودن یک طلبه در کسب علم

6. خودداری از مجادله و ستیزه جوئی در طرح مباحث علمی

7. تسلیم بودن در برابر حق

8. پرسش و پرسشگری از مهمترین شاخصه های طلبه می باشد.

9. ضبط و نگارش مطالب علمی

10. رعایت انضباط و حضور مستمر در کلاس های درس

11. دقت و بررسی مطالعات و محفوظات و منابع آنها خود را برای حضور





را گرفتن علم از لحاظ روحی و ذهنی آماده می نماید.

د: شاخصه های اخلاقی طلبه در محضر استاد:

1. از آن جا که جایگاه استاد در اسلام بسیار مهم و رفیع می باشد حدی که به عنوان پدر معنوی انسان مطرح گردیده لذا طلبه . دیدگاه اسلام پای کرسی هر استادی زانو نمی زند بلکه بر . اساس معیارهای مشخصی که در دین اسلام مطرح گردیده به . دنبال استادی می گردد که در خور چنین شان و جایگاهی . . باشد تا بتواند روح و عقل و فکر خود را همچون زمینی مستعد در اختیار او بگذارد و استاد شایسته نیز در این زمین بجای پرورش علف های هرز درختانی بارور را به ثمر رساند.
2. تواضع و فروتنی در برابر استاد
3. طلبه از منظر اسلام از استاد خود همواره به احترام یاد می کند
4. حق شناسی از استاد خود می نماید.
5. تندی های استاد را با جان و دل تحمل می نماید.
6. مراقب حرکات و رفتار و حالات خود در محضر استاد می باشد تا کوچک ترین جسارتی به استاد ننماید.
7. مراقب رفتار و گفتار خود بوده و حتی صدای خود را نیز در این باره تنظیم می نماید که با لحن و صدایی بی ادبانه سخن نگوید.
8. در صورت وجود اشتباه در سخن استاد محترمانه و ظریف به وی یاد آوری می نماید.
9. مودبانه استاد را مورد خطاب قرار می دهد.

- 10 به هنگام درس دقیق به سخنان استاد گوش داده و حواس خود را پرت ننماید
11. فرصت کلاس را با طرح سؤال های بی مورد تلف نمی نماید.

ه: شاخصه های اخلاقی طلبه در کلاس درس:

1. رعایت آداب ورود به کلاس همچون سلام نمودن
2. بر هم نزدن نظم کلاس درس
3. اشغال نکردن جای دیگران در کلاس درس
4. کسب اجازه از محضر استاد برای ارائه سؤال و یا پاسخ گویی به درس
5. خواندن دعاء به هنگام قرائت درس

و: شاخصه های اخلاقی طلبه در نوع رابطه با همکلاسی های خود:

1. رعایت ادب و نزاکت نسبت به همکلاسی ها
2. بر هم نزدن راحتی دیگران به خاطر خود در کلاس
3. عدم مداخله در مباحث علمی دیگر همکلاسی ها
4. عدم مداخله در سخن دیگران

ز: شاخصه های اخلاقی یک طلبه در حجره و خوابگاه:

1. رعایت شئون اسلامی در محیط زندگی.
2. از منظر اسلام اخلاق طلبه ، اقتضا می کند که وی در حجره با رفتاری گرم و صمیمانه نسبت به دیگر دانشجویان اظهار محبت و احترام نماید، و حق همجواری و همسایگی و مصاحبت و اخوت دینی را در مورد آنها کاملاً رعایت و اداء کند.
3. عفو و گذشت از بدی های طلاب موجود در محیط زندگی و توجیه برخی از عملکردهایی که شاید مورد پسند او نباشد.





۱- از منظر اسلام طلبه باید قبل از انتخاب اتاق ، هم اتاقی های خود

را ارزیابی نموده و بعد با آنها هم اتاق شود.

۵. ورود و خروج در حجره باید به نحوی باشد که موجب

رنجش دیگران نگردد.

۶. از تجسس نسبت به هم حجره ای و همچنین طلاب دیگر پرهیز نماید.

۷. پرهیز از ایجاد صدا و اعمال و رفتاری که موجب آزار واذیت دیگران

می شود.

۸. باید از نشستن و راه رفتن در جای های نامناسب که موجب سلب آسایش

دیگران می شود خودداری کرد..

با بر شمردن برخی از شاخصه های اصلی اخلاق طلبگی ، وظیفه یک طلبه این

است که بکوشد با برنامه ریزی دقیق و پرداختن به اولویت ها و با استعانت از

خداوند، این ویژگی های را در خود پیاده نماید ؛ در چنین صورتی می تواند

ضمن اصلاح و ارتقای خود به سطوح بالاتر، از نظر علمی و معنوی، پیشرفت در

خور توجهی نموده و نسبت به آینده خود و جامعه مفید واقع گردد.

بدیهی است که بی توجهی به شاخصه های مطرح شده منجر به افت علمی و

اخلاقی شده و او را از مسیر اصلی خود دور می نماید.

در پایان باید گفت تمام این مسائلی که گفته شد مشترک بین همه مردم و

دانشجویان دیگر علوم می باشد که به طریق اولی یک طلبه باید این مسائل را با

شدت بیشتری در خود پیاده کند؛ اما آن چه در زمینه طلاب دینی از اهمیت

بیشتری برخوردار است این است که این بزرگواران در جامعه به عنوان

جانشینان پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام می باشند و مردم همان انتظار و توقع

را از اینان دارند که از اهل بیت و همان احترام و جایگاه را قائلند که برای آن

بزرگواران؛ لذا باید طلبه تا می تواند خود را متخلق به اخلاق نبوی و سیره ائمه

علیهم السلام نماید و حتی از پرداختن به برخی کارها که شاید گناه و معصیت

نباشد اما مخالف عرف و شان روحانیت است پرهیز نماید. به عنوان مثال شاید

غذا خوردن در ملاء عام و خیابان در هنگام راه رفتن گناهی نباشد اما چنین

اعمالی از یک طلبه دور از شان است و موجب بدبینی دیگران به این قشر

می شود و به گفته حضرت امام اگر یک طلبه بد کند مردم گویند همه طلاب

اینگونه اند. در نتیجه گناه یک نفر را ندارد بلکه دین کل این قشر به گردن او

خواهد افتاد.

بنابر این بر ماست تا بکوشیم سیره آن بزرگواران را به نحو عملی به مردم نشان

دهیم چه در زندگی، چه در تحصیل و چه در تبلیغ و بدانیم که اساس طلبگی

در نیت خالصانه و عمل خالصانه برای رضای خداوند خلاصه شده است.

بحث ارتباط طلبه با علما و اساتید

حقوق و وظایف یک طلبه نسبت به استاد خود

می فرماید: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

يَقُولُ: [۱] خود شما مستحضر هستید امام صادق می فرماید: امیر المؤمنین

می فرمود نه یک بار «إِنَّ مِنْ حَقِّ الْعَالِمِ «یک سری حقوق را می شمارند ا» -۱»

لَا تُكْتَبُ عَلَيْهِ السُّؤَالُ «زیاد از او سؤال نپرسید که این چیست، آن چیست

۲- «وَلَا تَأْخُذْ بِثَوْبِهِ «لباس او را نکشید احتمالاً کنایه از این است که به

او پيله نکنید. یک تعبیری گاهی طلبه ها زی العلما دارند آن طور نباشد.

۳- «وَإِذَا دَخَلْتَ عَلَيْهِ وَعِنْدَهُ قَوْمٌ «هر گاه وارد بر او شدید در حالی





ع دیگری هم در محضر او هستند
 «فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً» به همه‌ی آن جمع سلام کن. اما «وَّخَصَّهُ
 بِالَّتَّحِيَّةِ دُونَهُمْ» به آن عالم مخصوص و انفرادی کن.
 ۴- «و اجلس بين يديه و لا تجلس خلفه» در محضر او بنشین، ..
 پشت او نرو و یک گوشه و یک دیواری پیدا کنی تکیه کنی و

به گونه‌ای دیده نشوی و بگویند ما صدا را می‌شنویم و فیض
 می‌بریم، نه در محضر او و پیش روی او بنشین، علامت ادب است. ۵- «و لا تعمز
 بعينك» با چشم‌های خود به صورت او خیره نشو، یک حالت حیا در نگاه خود
 داشته باش. ۶- «و لا تشر بيدك» با دست به او اشاره نکن. گاهی آدم می‌خواهد
 اشاره کند در حد مثلاً همسان آدم است، آدم به دوست خود یک چیزی را با
 اشاره می‌گوید، با چشمک یک چیزی را می‌گوید ولی به یک عالم مخصوصاً به
 یک استاد نباید این طور باشد. «و لا تكثر من القول قال فلان و قال فلان خلفاً
 لقوله» آقا یک نظری دارد، شما رفتید نظرات دیگر را هم دیدید خلاف نظر او
 است، مدام نگویید فلانی این نظر را دارد، فلانی آن نظر را دارد. او هم ای بسا
 می‌داند که دیگران نظرانی دارند اما با علم به آن یک مبنایی دارد و یک نظری
 دارد. «و لا تضجر بطول صحبتته» خیلی طولانی نکن. «فإذا طعمتم
 فانتشروا» [۲] وقتی غذا را خوردید حالا چه غذای مادی، چه غذای معنوی بلند
 شوید، خیلی طول ندهید، او را اذیت نکنید به هر حال وقت او مغتنم است.

مثل عالم مثل درخت نخل است

«فإنما مثل العالم مثل النخلة» [۳] این هم مثال بسیار زیبایی است مثل عالم مثل
 درخت نخل است. «تنتظرها حتى يسقط عليك منها شيء» «باید زیر سایه‌ی او به

انتظار بنشینی تا یک رطب تازه‌ای برای تو بیفتد. این یعنی این که مدام پيله
 کنی که یک چیزی بکنی، صبر کن هر چیزی رزق تو بود خودش به تو
 می‌دهد «و العالم اعظم أجراً من الصائم القائم الغازی فی سبيل الله» اجر عالم
 بیشتر از روزه‌داری که شب‌ها تا صبح بیدار است «الغازی» یعنی کسی که در
 راه خدا می‌جنگد، مجاهد و جنگ کننده است. این‌ها علامت این است که باید
 نسبت به عالم و مخصوصاً به استاد باید یک احترام و تکریم ویژه‌ای ما طلبه‌ها
 داشته باشیم.

معماری کردن شخصیت طلبه توسط استاد

استاد یعنی کسی که شخصیت ما را معماری می‌کند حالا از آن طرف هم است
 افراط نشود. مثلاً فرض بفرمایید شما می‌گویید «من علمنی حرفاً» [۴] هر کس
 ولو یک کلمه به من یاد داد، این «من علمنی حرفاً» ۱۰:۲۰ از جملات معروفی
 است که سند ندارد. (لطفاً بررسی شود) بگوییم من ماشین خود را فلان مکانیکی
 بردم آن آقای مکانیک یک جمله به من یاد داد این دستگاه این طور است، شما
 استاد ما شدید و مدام تعظیم کنیم این‌ها نیست. کسی که شخصیت ما را معماری
 می‌کند.

یاد کردن شهید مطهری از استاد خود

مرحوم شهید مطهری می‌گوید ما اساتید زیادی داشتیم، از همه با تفخیم یاد
 می‌کند اما روی چهار مورد ویژه دست می‌گذارد. یکی مرحوم آقای
 بروجردی است، یکی مرحوم امام است، یکی مرحوم علامه‌ی طباطبایی





نحوه مباحثه کردن و شیوه درس خواندن طلبه

1- قبل از این که در کلاس درس حاضر شوید، درسی را که استاد قرار است بگوید، مطالعه کنید تا با بحث مورد نظر آشنا شوید؛ زیرا پیش مطالعه، در فهمیدن درس خیلی موثر است. مثلاً اگر امروز می خواهید باب حروف جر از سیوطی یا صمدیه را درس بگیرید، اول از عوامل و هدایه، باب حروف جر را مطالعه کنید، سپس متن درس را بخوانید و قسمتی را که متوجه نمی شوید، در کلاس درس حواستان را جمع کنید و خوب به سخنان استاد گوش فرا دهید تا آن قسمت، توسط استاد برای شما روشن گردد.

2- باید در کلاس درس و موقع تدریس استاد خوب گوش فرا دهید و به این طرف و آن طرف نگاه نکنید و یا با دیگری صحبت نکنید یا فکرتان جای دیگری نباشد و خلاصه این که در موقع تدریس استاد، از آنچه باعث می شود حواس شما به جای دیگر متوجه شود، خودداری کنید.

3- بعد از تدریس استاد، باید آن درس را دوباره مطالعه کنید و برای مباحثه آماده شوید و مطالبی را که احیاناً نفهمیدید، مشخص کنید تا در حین مباحثه، رفع شود.

4- روز بعد (درس گذشته را) مباحثه کنید.

5- بعد از اتمام تحصیل، یکبار کتاب را کنار نگذارید، بلکه در فرصت مناسب دوباره کتاب را مرور کنید.

یکی هم مرحوم میرزا علی آقای شیرازی است. دوستانی که با کتاب‌های شهید مطهری مخصوصاً سیری در نهج البلاغه‌ی ایشان مأنوس هستند اسم میرزا علی آقای شیرازی را شنیدند. اگر شهید مطهری نبود از میرزا علی آقای شیرازی نمی گفت. میرزا علی آقای شیرازی آن قدر شهرت پیدا نمی کرد. مقام ثبوت سر جای خود محفوظ است، اما مقام اثبات را شهید مطهری بیان کرد. یعنی او هم هیچ باکی نداشت که میرزا علی آقای شیرازی یک استاد آن چنانی در مقام اثبات نبود، ثبوتاً بسیار بزرگ بود اما نه مرجع تقلید بود، نه دفتری داشت. بعد هم استاد نهج البلاغه‌ی او بود. حالا این تأسف است گاهی ما فقط فرض کنید یک استاد فقه و اصول ما استاد می شود نه استاد نهج البلاغه است. او هم می گوید یک تابستان ما به قم رفتیم، به اصفهان رفتیم و از محضر ایشان استفاده کردیم بعد ایشان به قم می آمد و ارتباط داشتیم. هر کسی که روی شخصیت ما معماری می کند استاد ما می شود و این استاد همه‌ی این حقوقی که عرض شد و عرض می شود را دارد.

نتیجه انجام اعمال نیک از منظر قرآن

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» [ه] در نوروز یک فرصتی بود برخی آیات را برای خود مرور می کردم چقدر این آیه زیبا است «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ» [ب] آیه مطلق است قید دین و تقوا در آن نیست، اصلاً قاعده‌ی عالم است و فرمول است. هر کس نیکی کند به خود او نیکی بیشتری برمی گردد. اگر استاد خود را تکریم می کنی به خودت برمی گردد. او چیزی به دست نمی آورد، به خود ما برمی گردد و اگر نسبت به او بی ادبی کنیم و حق او را رعایت نکنیم بی برکتی آن به خود ما برمی گردد





6- بعد از تدریس کل کتاب، توسط استاد، و مباحثه و رعایت موارد .. دیگر، خودتان آن کتاب را تدریس کنید، که علاوه بر این که در آن درس خُبره می شوید، زکات علم خود را هم پرداخته اید. ۱
- روزهای تعطیلی، کتاب را خلاصه نویسی کنید و پیرامون مطالب .. کتاب تحقیق نمایید و کتب جنبی دیگری که متن درسی نیستند، مطالعه کنید.

برنامه عملی

در کنار درس و تعلیم و تعلم که شما را باسواد می کند، باید از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) استفاده و بهره برداری کنید، چون در آینده که شما یا خطیب و سخنران می شوید، یا مؤلف و مترجم و مدرس و... از آیات قرآن و احادیث بی نیاز نخواهید بود، بلکه رمز موفقیت شما حفظ آیات و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) است؛ ۲ زیرا مردم از شما قرآن و حدیث و روایات می خواهند و اموری از قبیل ضَرْبِ ضَرْبًا و قواعد منطق و اصول و فلسفه و بقیه دروس حوزوی، مورد توجه آن ها نیست و اگر از این ها سخن به میان آورید، خسته و ملول می شوند؛ لذا از همین الان تصمیم بگیرید قرآن و حدیث حفظ کنید. ۳

حفظ قرآن به حدی مهم است که حضرت آیت الله مجتهدی (حفظه الله) می فرمایند: مرحوم آیت الله العظمی شاه آبادی، استاد عرفان امام (اعلی الله مقامهما)، فرموده اند: تمام علوم در سكرات موت و لحظه جان دادن، از انسان گرفته می شود، مگر علوم قرآنی.

پس بروید به دنبال علمی که جاودانه است؛ یعنی قرآن را بخوانید و حفظ کنید. ۴ و بدانید که آسانسور بهشت با قرآن کار می کند، یعنی هر چقدر بخوانی، بالاتر می روی و اگر نخواندی، آسانسور می ایستد و باید پیاده شوی.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «حَمَلَةُ الْقُرْآنِ عَرَفَاءُ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ ۵ حافظان و حاملان قرآن عارفان اهل بهشت هستند. تا جوان هستید، قرآن کریم را حفظ کنید. آیاتی را که ما در جوانی حفظ کرده ایم، الان به خاطر داریم.

سعی کنید هر روز مقداری قرآن بخوانید و در معانی آن فکر کنید و از خداوند بخواهید که به شما توفیق دهد به آن عمل کنید. حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ»؛ ۷ آگاه باشید، خیری در قرآن خواندنی که با تفکر و تدبّر نباشد، نیست.

خداوند متعال در قرآن کریم از بندگان شکایت می کند که چرا در آیات قرآن تدبّر نمی کنید «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ». ۸ حضرت زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: ۹ آیات قرآن خزاین و گنجینه هاست، پس هر وقت گنجینه ای باز شد، سزاوار است تو در آن نگاه کنی.

حضرت آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری که از مراجع تقلید بودند، به دلیل بیماری زخم معده، به دستور پزشک معالج، در بیمارستان بستری شدند. و چون ایشان سالخورده و ضعیف البنیة بودند و در وقت بستری شدن ۸۹ سال از عمرشان می گذشت، لذا طاقت تحمل جراحی بدون بیهوشی ممکن نبود، و از طرفی هم ایشان اجازه بیهوش کردن را





نمی دادند، زیرا معتقد بودند که در هنگام بیهوشی، تقلید مقلدین اشکال پیدا می کند. دکتر معالج به ایشان عرض می کند که طبق .. آزمایش ها و عکس برداری ها، باید حتماً عمل جراحی روی ایشان صورت گیرد. آیت الله خوانساری می فرماید: مانعی ندارد، عمل .. جراحی را هر وقت خواستید، شروع کنید، ولی قبل از آن به من ... خبر دهید که با تلاوت قرآن و توجه به آن، مشکل بی هوش کردن حل شود. دکتر جراح پذیرفت و لحظاتی بعد عرض کرد: ما آماده و ..

هستیم که دست به کار شویم. آیت الله خوانساری فرمودند: هر وقت من شروع به خواندن کردم، شما هم شروع کنید. دکتر می گوید: تا ایشان شروع به خواندن سوره انعام کردند، چاقوی جراحی را روی شکم ایشان گذاشته و دست به کار شدیم، و چنان ایشان بی حرکت بودند، گویا در حال بی هوشی کامل هستند. بعد از پاره کردن و دوختن و اتمام کار، عرض شد: حضرت آقا! کار ما تمام شد. ایشان قرآن را بستند و فرمودند: صدق الله العلی العظیم.

عرض کردند: آقا دردتان نیامد؟ فرمودند: مشغول قرآن بودم، نفهمیدم.

علامه ملا محمد باقر مجلسی (ره) فرمودند: هر قدر در آیه ای بیشتر دقت می کردم، حقایق بیشتری نصیب می شد تا این که ناگهان حقایق و معارف فراوانی بر قلبم فرود آمد. پس در هر آیه ای که تدبر کردم، همین گونه به من از حقایق و معارف عطا می شد.

حاج شیخ رضا سراج (ره) می فرمودند: قرآن را نباید خواند، بلکه باید آن را خورد. (یعنی فقط خواندن نباشد که عبارات در دهان تلفظ شود، بلکه قرآن را

باید در اعماق وجود خود جای داد؛ هم از نظر حفظ و قرائت و هم از نظر معنی و عمل. قرآن مانند غذای لذیذ و گوارایی است که نباید فقط به دیدن و بو کردن آن اکتفا نمود، بلکه باید آن را خورد و از ویتامین ها و پروتئین های قرآن برای کمال معنوی و مادی بهره برد. در این صورت است که «هُدًی لِّلْمُتَّقِينَ» می شود و در غیر این صورت، کسی که بهره ای از تقوا نداشته باشد، نمی تواند زندگی خود را مطابق قرآن قرار دهد، لذا قرآن او را هدایت نمی کند.

هر چه انسان روی آیات و روایات تأمل و تعمق کند، باعث می شود که درهای علوم و معارف بی پایان به رویش باز شود و نور علم در دل او قرار گیرد و یکی از مواردی که نور علم در دل انسان پر توفاشانی می کند، وقتی است که انسان ارتباط خود را به وسیله عبادت و بندگی با ائمه اطهار (علیهم السلام) زیاد کند؛ زیرا که آن بزرگواران، قرآن ناطق هستند.

طلاب علوم دینی در هر مقطعی که باشند، باید مدام با قرآن کریم و همچنین احادیث اهل بیت (علیهم السلام) در ارتباط باشند؛ چرا که احادیث آن ها، دل ها را زنده می کند و باعث موفقیت می شود؛ زیرا پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در حق کسانی که احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را نشر دهند، دعای خیر کرده است. ۱۰ در این احادیث، شأن نزول آیات قرآن، تفسیر قرآن، و مسائل اخلاقی، فقهی، عرفانی و... موجود است. لذا روی همین اصل

است که در حوزه علمیه حضرت آیت الله مجتهدی، صبح ها توسط ایشان، در کلاس درس برای طلاب، و ظهرها بین دو نماز و عصرها، بعد از نماز مغرب و عشاء حدیث گفته می شود. ایشان می فرمایند: باید این





احادیث را بخوانید و بنویسید و عمل کنید و برای دیگران هم ..
بگویید. هر جا می نشینید، حدیث بگویید؛ حتی شب ها که در خانه
هستید. ۱۱

شایسته است هر کس دفتر حدیث داشته باشد و این احادیث را با ..
ترجمه بنویسد که این دفتر بعد از او به یادگار بماند؛ چرا که فرزندان ما
در آینده کمتر به دنبال دین و حدیث و قرآن می روند، ولی اگر شما ..
دفتری داشته باشید و بعد از خود به یادگار بگذارید، گاهی دفتر شما را ..
می آورند و می خوانند و می گویند: این دفتر پدر یا جد ماست و
افتخار هم می کنند. ۱۲

مهم ترین برنامه ای که قرآن و احادیث به ما معرفی می کنند، تقوای الهی
است. ۱۳ تقوا دارای مراتب و مراحل است. مرحله اول تقوا، ترک محرمات و
عمل به واجبات است. حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند: «الْمَتَّقِي
مَنْ التَّقَى الذُّنُوبَ»؛ ۱۴ با تقوا کسی است که از گناه پرهیز کند. و حضرت رسول
اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «اعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسِ»؛ ۱۵ به
واجبات الهی عمل کن تا با تقواترین مردم باشی. که این مرتبه اول مرحله عمل
می باشد.

حضرت آیت الله مجتهدی می فرمایند: وقتی که ما در قم طلبه بودیم، هر شب
موقع خواب از رساله مراجع تقلید مسأله می خواندیم و با احکام فقهی و نظرات
مراجع و دستورات اسلام آشنا می شدیم، بعد می خوابیدیم. اما الان مردم یا
توضیح المسائل در منزل ندارند یا اگر دارند، حال مراجعه کردن ندارند و اگر

به مشکلی و یا مسأله ای برخورد کردند، از یکی از روحانیون می پرسند و چون
همه روحانیون مجتهد نیستند، لذا هر کدام از آن بزرگواران نظر مرجع تقلید
خودش را بیان می کند، و کمتر روحانی یافت می شود که نظرات همه مراجع
تقلید را بداند و در مسأله مورد نظر، فتوای همان مرجع را بگوید. حتی بعضی پا
فرا تر گذاشته اند، یعنی مرجع مشخص نکرده اند، یا می گویند: باقی هستیم، اگر
باقی بر تقلید از مرجع میّت هستند، باید به اجازه یکی از مراجع زنده فعلی باشد.
مرحله دوم تقوا، به جا آوردن مستحبات و ترک مکروهات است.

حضرت آیت الله مجتهدی در این زمینه می فرمایند: علما باید مستحبات را برای
خود واجب بدانند و مکروهات را حرام. شما طلاب به مستحبات خیلی اهمیت
بدهید.

همچنین ایشان می فرمایند: استاد ما حاج شیخ علی اکبر برهان خیلی در
مستحبات و مکروهات دقیق بودند، لذا ما جرأت نداشتیم نزد ایشان این موارد را
رعایت نکنیم، استاد ما حتی نسبت به بعضی موارد هم مخالف بودند؛ مثل
خوردن آجیل و تخمه و چای و... و ما نزد ایشان جرأت چای خوردن هم
نداشتیم. مطلبی که در مستحبات مهم است، این است که حضرت علی (علیه
السلام) فرمودند: «إِذَا أَصْرَتِ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْقُصُوهَا»؛ ۱۶ اگر مستحبات به
واجبات ضرر زد، مستحبات را رها کنید. و مطلب دیگر این که حضرت
فرمودند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ أَقْبَالَ وَأِدْبَاراً، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ،
وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ»؛ ۱۷ برای قلب ها روی کردن
(حالت میل و رغبت) و پشت کردن (بی میلی و بی رغبتی) است.





هنگامی که این قلب‌ها میل داشت، آن‌ها را به انجام مستحبات .. وادارید و هرگاه قلبتان میل و رغبت نداشت، به واجبات اکتفا کنید. **يَدُومُ خَيْرٌ مِّنْ كَثِيرٍ مَّنْقَطِعٍ**؛ ۱۸ کار کم و همیشگی، بهتر از کار زیادی .. است که انسان را خسته کند و پیوستگی و دوام نداشته باشد. این .. حدیث فقط درباره مستحبات نیست، بلکه در تمام امور به کار می‌آید.

مرحله سوم تقوا، این است که انسان مباح هم انجام ندهد؛ یعنی مثلاً در هنگام خوردن و آشامیدن و... که از افعال مباح هستند، صرفاً جهت سیر شدن، غذا نخورد، بلکه نیت کند که با سیر شدن می‌تواند نیروی کافی به دست آورد تا واجبات و عبادات را انجام بدهد و بتواند بهتر درس بخواند و بهتر به اجتماع و اسلام خدمت کند. این جاست که ضمن برطرف شدن گرسنگی یا تشنگی، خداوند برای او، عبادت هم می‌نویسد؛ چرا که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: **«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»**. ۱۹ و همچنین فرمودند: **«يُبْعَثُ النَّاسُ عَلَى نِيَّاتِهِمْ»**؛ مردم در روز قیامت بر طبق نیت‌هایشان مبعوث می‌شوند. ۲۰

باید توجه داشت که انسان‌ها عموماً و طلاب خصوصاً، در این راه دشمنان زیادی دارند که مهم‌ترین آن‌ها یکی شیطان است و دیگری نفس‌آماره که پیوسته در کمین ما هستند تا ما را منحرف سازند.

شیطان در این زمینه قسم خورده است: **«قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ»**؛ ۲۱ (به عزت و جلال تو قسم که تمام افراد را گمراه خواهم کرد.) خداوند متعال هم می‌فرماید: **«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»**؛ ۲۲ به درستی که شیطان برای شما دشمنی است (آشکار)، پس شما هم او را دشمن بدانید. **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**

لَاتَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»؛ ۲۳ ای کسانی که ایمان آوردید از ردّ پاها و گام‌های شیطان پیروی نکنید.

منابع:

۱. کتاب «آداب الطلاب» شاکر بخودارفرید
۲. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۷۷ و خصال، ج ۱، ص ۷.
۳. بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۷۷؛ معانی الاخبار، ص ۲۲۶.
۴. «فَأَقْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» مزمل / ۲۰.
۵. بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۹؛ معانی الاخبار، ص ۲۲۶.
۶. نسا / ۸۲.
۷. کافی، ج ۴، ص ۴۱۰۲.





شهدای طلبه

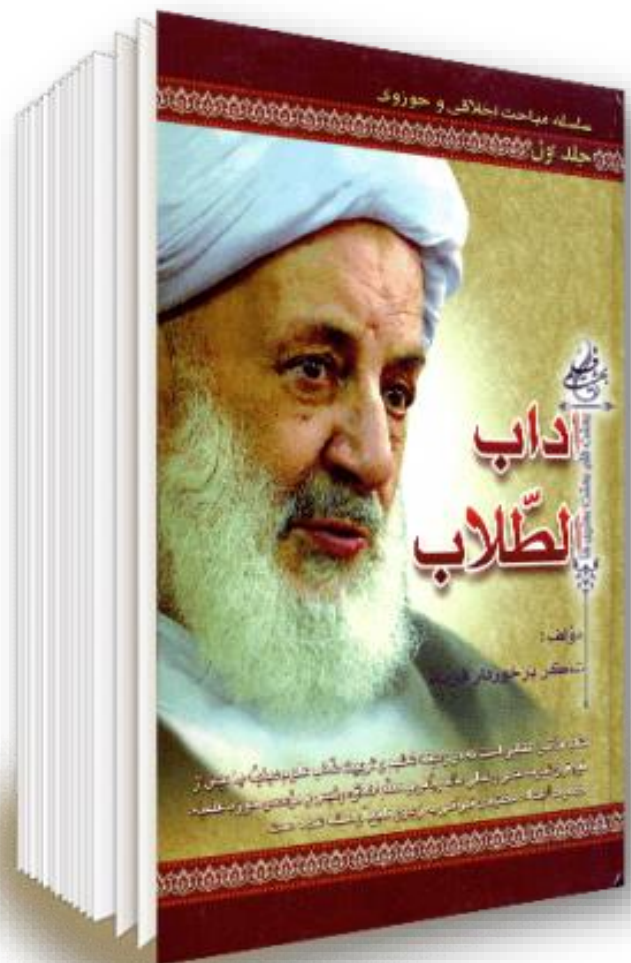
روحانی شهید مصطفی ردانی پور

، یکم فروردین ۱۳۳۷، در شهرستان اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش .. محمدباقر، کار در شرکت نفت بود و مادرش عصمت نام داشت. تا پایان دوره متوسطه در رشته تجربی درس خواند و دیپلم گرفت. سال ۱۳۶۲ ازدواج کرد. به عنوان پاسدار در جبهه حضور یافت. دوم مرداد ۱۳۶۲، با سمت فرمانده لشکر سپاه در عین خوش دهلران بر اثر اصابت گلوله به دست و پا توسط نیروهای عراقی شهید شد. تا کنون اثری از پیکرش بدست نیامده است. برادرش رسول نیز شهید شده است.



روحانی شهید احمد سلیمانی، سوم فروردین ۱۳۴۲، در شهرستان فریدن چشم به جهان گشود. پدرش صفرعلی، کشاورز بود و مادرش جمیله نام داشت. تا پایان دوره راهنمایی درس خواند. سال ۶۱ ازدواج کرد و صاحب یک پسر و یک دختر شد. به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت. بیست و نهم اسفند ۱۳۶۵، با سمت مبلغ در فاعراق بر اثر اصابت ترکش به سر شهید شد. مزار او در گلزار شهدای زادگاهش واقع است.





* معرفی کتاب

این کتاب که به همت انتشارات انقلاب اسلامی جمع آوری شده است حاوی توصیه‌ها و سخنان رهبر انقلاب خطاب به طلاب در سه فصل «کلیات»، «شئون و وظایف طلبگی» و «تکالیف سنگین علما» بوده و در ۱۷۶ صفحه در قطع رقعی به چاپ رسیده است.

در فصل اول این اثر به مباحثی مانند «طلبه در تراز انقلاب اسلامی باید چگونه باشد؟، رابطه‌ی غفلت از هدف و آفت برای طلبه‌ها از نظر معظم‌له، نقش و ارزش ویژه‌ی طلبه به عنوان مهم‌ترین عنصر حوزه، عشق، شور، محبت و احساس وظیفه در کار طلبگی، مسئولیت‌های عمده‌ی یک روحانی از قبیل هدایت دینی، سیاسی و اجتماعی و موضوع بانوان طلبه به عنوان آبروی نظام اسلامی در جهان» پرداخته است.

در فصل دوم این کتاب رهنمودهای حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در ارتباط آورده شده است.

در آخرین فصل کتاب بدان، ایدک‌الله به تکالیف سنگین علما با مفاهیمی از قبیل فهم و انتقال معارف، مجاهدت برای مردم، حفظ آبروی انقلاب و حفظ موقعیت جمهوری اسلامی پرداخته شده است.





مجموعه کتاب‌های «رسم طلبگی»، متن درسی دوره میثاق طلبگی طلاب است. یکی از دغدغه‌های مهم داوطلبان علوم دینی، نداشتن نگاهی جامع به هویت صنفی طلبگی و معنای آن و همچنین کمبود اطلاعات در زمینه ویژگی‌های کنونی حوزه، روند فعالیت‌های طلبه و کارآمدی اجتماعی آنان است. بنابراین معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه با تدوین و انتشار کتاب رسم طلبگی تلاش نموده تا به سؤالات ایشان پاسخ دهد.

این کتاب شامل مقدمه و ۶ فصل با عناوین زیر می‌باشد:

۱- هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی

۲- طلبه در دوره رشد و تحصیل

۳- ویژگی کنونی حوزه

۴- روند کلی فعالیت‌های طلبه

۵- کارآمدی اجتماعی طلبه

۶- طلبه و انقلاب اسلامی.

نویسنده: محمد عالم زاده نوری

سال انتشار: ۱۳۹۶.

